

چه کسی بود صدازدمرا؟



امیر جعفرزاده



تعریف بیماری هلندی

هرگونه افزایش ناگهانی درآمدهای ارزی که از طریق یک بخش با فعالیت معین و یا مجزای اقتصادی به وجود آمده باشد می‌تواند موجب پیدایش عوارض این بیماری شود. ۴- گروه دلایل را به عنوان منسای بیماری هلندی به رسمیت می‌شناسند:

- ۱- کشف منابع طبیعی جدید
 - ۲- افزایش برون‌زا در قیمت کالاهای اولیه و مواد خام (که موجب افزایش درآمدهای صادراتی شود)
 - ۳- افزایش ناگهانی در تقاضا برای کالاهای صادراتی
 - ۴- پیشرفت تکنولوژی در بخش کالاهای صادراتی
- ویژگی مشترک همگی این است که کشور را در برابر انبوهی از درآمدهای ارزی قرار می‌دهد. افزایش ناگهانی و پیش‌بینی نشده درآمد به خودی خود می‌تواند منشا آثار منفی گسترده شود، مگر این که مدیریت شود.

در بررسی بیماری هلندی دو مفهوم کلیدی وجود دارد:

- ۱- کالاهای قابل مبادله Tradable
 - ۲- کالاهای غیر قابل مبادله non tradable
- کالاهای قابل مبادله: کلیه کالاهای و خدماتی که قیمتشان در بازارهای جهانی تعیین می‌شود؛ اعم از کالاهای صادراتی و کالاهای وارداتی.
- غیر قابل مبادله: کالاهای و خدماتی هستند که به دلایل گوناگون در بازارهای جهانی مبادله نمی‌شوند.

دلایل غیر قابل مبادله بودن کالاهای:

- ۱- حجم بالای کالا و هزینه‌های آن
- ۲- ارزش پایین کالاها
- ۳- غیر قابل مبادله بودن به واسطه کنترل‌های بازرگانی
- ۴- خدمات‌های خاص مانند آموزش غیر مجازی و آرایشگری و...

آثار بیماری هلندی

افزایش ناگهانی درآمدهای داخلی کشور، اگر به ساختار اقتصاد داخلی تزریق شود، موجب افزایش نقدینگی می‌شود. در حقیقت پول در دست مردم زیاد می‌شود. این افزایش درآمدها بر الگو و سطح تقاضا منعکس می‌شود. یعنی تقاضا برای کالاهای اعم از قابل مبادله و غیر قابل مبادله افزایش می‌یابد. در این صورت به دلیل فزونی تقاضا بر عرضه، کالاهای قابل مبادله به کشور وارد می‌شوند و چون کالاهای غیر قابل مبادله، قابلیت ورود به کشور را ندارند، موجب افزایش قیمت این کالاهای می‌شوند. در نتیجه به دلیل افزایش کالاهای غیر قابل مبادله، بنگاه‌ها به سمت تولید این کالاهای سوق پیدا می‌کنند (نقدینگی در این کالاهای و بخش شکوفا شده افزایش می‌یابد). با افزایش تقاضای نیروی کار در این بخش‌ها، سطح دستمزدها افزایش می‌یابد. بنابراین به طور خلاصه، در سطح خرد شاهد افزایش قیمت کالاهای غیر قابل مبادله، سوق پیدا کردن بنگاه‌های تولیدی به تولید کالاهای غیر قابل مبادله و افزایش عوامل

تولید می‌باشد.

در سطح کلان شاهد آن هستیم که کشور با افزایش ناگهانی درآمدهای ارزی، با مازاد ترازها روبه‌رو می‌شود. این مازاد تراز پرداخت‌ها خود را به صورت بالارفتن ارزش خارجی پول نشان می‌دهد. به طور نسبی قیمت کالاهای خارجی برای مصرف‌کنندگان داخلی ارزان می‌شود. از طرفی چون سطح تقاضای کل افزایش داشته و عرضه داخلی نیز در کوتاه‌مدت کم‌کشش است، منجر می‌شود که:

- ۱- واردات کالاهای قابل مبادله افزایش یابد.
 - ۲- قیمت کالاهای غیر قابل مبادله افزایش یابد و منابع به سمت این کالاهای هدایت شوند.
 - ۳- تورم افزایش یابد.
- همچنین افزایش ارزش پول ملی بدون اتکا به افزایش بهره‌وری عوامل تولید داخلی به معنی گرانتر شدن محصولات تولید داخلی برای خریداران خارجی است. یعنی قیمت صادراتی بخش تولید داخلی گرانتر شده است. در نتیجه می‌توان گفت که از قدرت رقابتی کشور در بازارهای جهانی کاسته شده است. افزایش ارزش پول ملی بر این اساس، موجب انتقال سطح تقاضا و منابع تولیدی از بخش تولیدی به بخش غیرقابل مبادله می‌گردد.

بیماری هلندی در ایران

در ایران نیز پس از این که درآمدهای نفت چندین برابر شد، آثار اولیه این بیماری آشکار گردید. به همین دلیل بود که مرکز پژوهش‌های مجلس همسو با دولت، قبل

از تصویب بودجه ۸۵ این طور نسبت به ظهور این بیماری هلندی هشدار می‌دهد:

"به طور کلی در نبود سیاست‌های مالی مناسب در کشورهای متکی به درآمدهای نفتی، ظهور بیماری هلندی و بروز ضعف در نهادهای تنظیمی و نظارتی و عدم توسعه مناسب بازارها در حوزه اقتصاد ملی اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. در حالی که بیماری هلندی از طریق تقویت ارزش واقعی پول ملی و از آن پیچیده‌تر به لحاظ نوسانات پر دامنه ارزش واقعی پول، زمینه رقابت‌پذیری و تنوع اقتصاد ملی را از بین می‌برد و در چنین شرایطی دسترسی به پول ارزان و آسان مانع از ایجاد و گسترش نهادهای تنظیمی، نظارتی و بازارها از یک طرف و عدم پاسخگویی و مسوولیت‌پذیری دولتمردان از جانب دیگر می‌شود و تاریخ اقتصادی کشور طی دهه‌های گذشته سرشار از مصادیقی است که مویذ این یافته‌های نظری می‌باشد.

جهش ساختاری قیمت جهانی نفت طی دو سال اخیر از بابت زمینه‌سازی برای رشد شتابنده اتکالی بودجه دولت به درآمدهای نفتی یکی از نقاط عطف تاریخ اقتصاد معاصر ایران به حساب می‌آید. جهش ساختاری قیمت نفت طی دو سال اخیر از بابت آثار درآمدی قابل توجهی که نصیب اقتصاد ملی ساخته، با وضعیت اقتصادی سالهای ۱۳۵۴-۱۳۵۳ مشابهت دارد و لذا نحوه مدیریت این منابع در کنار یا همراه با مدیریت بودجه دولت اثر ساختاری گریزناپذیری بر تحولات اقتصادی ایران در سالهای آینده خواهد داشت.

تصویبی که لایحه بودجه ۱۳۸۵ از متغیرهای کلان ایجاد می‌کند هشداردهنده و هنگامی که این ارقام در کنار ارقام قانون بودجه سال ۱۳۸۴ به همراه دو متمم آن قرار می‌گیرد، نگران‌کننده است. استفاده بیش از حد از درآمدهای نفتی در بودجه مستلزم تبدیل درآمدهای نفتی (دلاری) به ریال توسط بانک مرکزی است که خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی و به تبع آن نقدینگی را افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر برای استفاده از درآمدهای نفتی محدودیت وجود دارد و دلایل اقتصادی و ظرفیت‌های اجرایی اجازه نمی‌دهد که هر قدر قیمت نفت افزایش یافت دولت نیز نتواند به همان تناسب از درآمدهای نفتی استفاده کند."

مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام در همین راستا و بنا بر وظیفه‌ای که از سوی رهبری معظم انقلاب اسلامی به منظور تطبیق بودجه سالانه دولت با برنامه‌های توسعه‌ای و سند چشم‌انداز ۲۰ ساله بر عهده این نهاد (مجمع تشخیص) گذاشته شده است، به پژوهش جامعی در خصوص بودجه ۸۶ و انطباق آن با

سند چشم‌انداز ۲ ساله دست زدند. این پژوهش کارشناسی صریح و مستند که فراتر از سطح مجادلات نازل سیاسی صورت گرفته، نشان می‌دهد که سیاست‌های اعمال شده در تدوین بودجه ۸۶ عملاً با رویکردها، دستورات و آرمان‌های برنامه چهارم توسعه و سند چشم‌انداز اختلاف دارد. البته این اختلاف نیز شاید بی‌اثر از افزایش بی‌سابقه نفت نبوده است. زیرا در زمان افزایش درآمدهای بی‌سابقه دولت‌های در حال توسعه، این دولت‌ها، به تذکرات و پیشنهادات کارشناسی شده تن نمی‌دهند. خطری که دولت ایران را نیز تهدید می‌کند.

این گزارش با هشدار نسبت به "خطرات بالقوه افزایش نقدینگی" خاطر نشان می‌کند حتی با پذیرش تحقق پیش‌فرض‌های خوش‌بینانه بودجه ۸۶، در سال آینده معادل ۷۰ درصد کل نقدینگی کشور از ابتدای پیدایش تا پایان سال ۱۳۸۳ نقدینگی جدید به وجود می‌آید و در پایان برنامه میزان نقدینگی کشور ۴/۳ برابر نقدینگی ابتدای برنامه خواهد شد.

این گزارش با موروری بر سیر افزایش تورم در سال ۸۴ و سال جاری می‌افزاید: در صورت عدم امکان تثبیت قیمت‌ها و افزایش مداوم واردات، چنانچه تولید ناخالص داخلی نتواند رشد شتابان پیدا کند، تورم به "حالت انفجاری" خود را نشان خواهد داد و این روند در صورت عدم تغییر سیاست‌های مالی و پولی همچنان ادامه خواهد یافت و دسترسی به نرخ تورم ۶/۸ درصد در پایان برنامه دور از دسترس قرار می‌گیرد. نویسندگان گزارش البته تصریح کرده‌اند که در صورت وقوع تورم انفجاری، در ابتدای این اتفاق انتظارات تورمی جامعه نیز شدت خواهد گرفت. البته با واردات بسیار زیاد کالاهای مصرفی، دولت توانسته از تورم انفجاری جلوگیری کند. اما واضح است که آن واردات تا زمانی امکان‌پذیر هستند که قیمت‌های جهانی نفت، همچنان بالا باشند.

و امروز در حالی که پاییز ۸۶ را سپری می‌کنیم، می‌توانیم آثار و پیامدهای بیماری هلندی را مشاهده نماییم. همان علایمی که در گزارش ذکر شده، نسبت به آنها هشدار داده بودند.

افزایش بی‌سابقه مسکن که یک کالای غیر قابل مبادله است، افزایش نقدینگی در جامعه، افزایش تورم با احتساب آمارهای مراکز کارشناسی چون مرکز پژوهش‌های مجلس از علایم این بیماری در اقتصاد ایران است.

در حالی که در پایان دولت اصلاحات با وجود فروخته شدن نفت به میزان کمتر از ۲۵ دلار، حدود ۱۰ میلیارد دلار در صندوق ذخیره ارزی پس‌انداز شده بود، الان میزان اعتبار این صندوق در صورتی که قیمت نفت به

- با پذیرش تحقق
- پیش‌فرض‌های
- خوش‌بینانه بودجه ۸۶،
- در سال آینده معادل ۷۰
- درصد کل نقدینگی کشور
- از ابتدای پیدایش تا پایان
- سال ۱۳۸۳ نقدینگی جدید
- به وجود می‌آید و در پایان
- برنامه میزان نقدینگی
- کشور ۴/۳ برابر نقدینگی
- ابتدای برنامه خواهد شد

بیش از سه برابر رسیده است، رشدی نداشته است. از دیگر شواهد بیکاری هلندی، افزایش وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی است. براساس آمارهای موجود در حالی که کل استفاده دولت از درآمدهای نفتی در سال ۸۳ حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان بوده، در سال ۸۴ این رقم به بیش از ۳۱ هزار میلیارد ریال و در سال ۸۵ این رقم به ۳۷ هزار میلیارد تومان رسیده یعنی در فاصله سال‌های ۸۵-۸۳، میزان اتکا به درآمدهای نفتی در تامین هزینه‌های دولت تقریباً دو برابر شده است.

همچنین در حالی که دولتمردان دولت نهم بارها اعلام کرده‌اند که افزایش درآمدهای ارزی ایران در جهت عمرانی تحقق می‌یابد، و با این مساله، بودجه انبساطی سال ۸۵ و ۸۶ را توجیه می‌کردند، آمار اعلام شده از سوی وزیر اقتصاد نمی‌تواند شاهدهی بر این ادعا باشد. داوود دانش‌جعفری در میانه اسفند ماه ۸۵ اعلام کرد که میزان تحقق پرداخت‌های عمرانی در ۱۱ ماهه سال ۸۵، صرفاً ۶۲/۵ درصد بوده است. در حالی که مطالعات موجود نشان می‌دهد که طی ۱۵ سال گذشته، میزان منابع تخصیص یافته به فعالیت‌های عمرانی به طور متوسط حدود ۸۳ درصد بوده است.

اگر این مسایل را در کنار تعطیلی‌ها و یا کاهش‌های کاری گسترده طی امسال در نظر بگیریم، مشاهده می‌کنیم که دولت به کار و تلاش مردم اهتمام ندارد و به درآمدهای ارزی چشم دوخته است.

آثار بلندمدتی که بیماری هلندی ایجاد می‌کند و موجب تغییرات ساختاری رفتار دولت و مردم می‌شود، از زبان بارترین آثار این بیماری است که سال‌های سال حضور خود را در اقتصاد ایران نشان خواهد داد.